

از گوشه و کنار

ضرورت جلوگیری از ورود جرثقیل‌های غیراستاندارد به کشور



به دنبال سقوط یک جرثقیل سنگین در اتوبان بسیج، رئیس کمیسیون سلامت محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران گفت: سازمان استاندارد کشور باید جلوی فعالیت دستگاه‌های فرسوده و ورود جرثقیل‌های غیراستاندارد در مبادی ورودی کشور را با وضع الزامات، مقررات و استاندارد لازم‌الاجرا بگیرد. به گزارش خبرنگار ایلنا، زهرا صدر اعظم‌نوری در تذکر پیش از دستور با اشاره به حادثه سقوط تاور کرین و فوت دو نفر از شهروندان تهرانی گفت: استفاده غیر اصولی از جرثقیل‌ها اعم از جرثقیل‌های متحرک و جرثقیل‌های بر جی (تاور کرین‌ها و تجهیزات کارگاهی مورد نیاز برای کار در ارتفاع نظیر بالابرهای کارگری، داربست‌ها و...) در محیط شهری یکی از مسایلی است که متأسفانه در سال‌های اخیر به دلیل نبود رویه واحد، کارآمد و مهم‌تر از آن عدم بروز رسانی اطلاعات با توجه به استانداردهای معتبر ملی و جهانی و ضوابط ایمنی کار، بروز حوادثی را در پی داشته که منجر به خسارت مالی و جانی شده است.

آسیب دیدگی ۹۵ هکتار از پارک جنگلی چیتگر



رئیس کمیسیون محیط زیست و خدمات شهری شورای اسلامی شهر تهران با بیان اینکه تلاش برای حفظ و احیای پارک جنگلی چیتگر آغاز شده است، گفت: ۹۵ هکتار این پارک آسیب دیده است. به گزارش ایرنا: زهرا صدر اعظم‌نوری در جمع خبرنگاران در خصوص اقدامات کمیسیون محیط زیست و خدمات شهری شهرداری تهران در پارک چیتگر گفت: برای نظارت و حفاظت از فضای سبز و محیط زیست برنامه ویژه‌ای داریم و در این راستا پارک‌ها و بوستان‌های شهر تهران به صورت دوره‌ای مورد بازدید قرار می‌گیرند. او ادامه داد: بازدید دوره‌ای که اعضای کمیسیون از پارک جنگلی چیتگر داشتند خشک شدن درختان این پارک محرز بود و با حضور شهردار منطقه موضوع بررسی شد و شهرداری منطقه اقداماتی را برای جلوگیری از توسعه خشک سالی پارک شروع کرد.

تاکسی‌های اینترنتی نباید افزایش کرایه داشته باشند



معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری تهران گفت: تاکسی‌های اینترنتی به دلیل پرداخت دودرصد از کرایه هر سفر به شهرداری نباید افزایش کرایه داشته باشند. محمد تقی‌زاده، درباره ابلاغیه وزارت کشور مبنی بر دستورالعمل نظارت بر فعالیت ارائه‌دهندگان خدمات هوشمند مسافر و یا تاکسی‌های آنلاین و اینترنتی، گفت: بر اساس این ابلاغیه سامانه‌ای در حال طراحی است که تا پایان مهر ماه به بهره‌برداری می‌رسد و رانندگانی که قصد حضور در شرکت‌های ارائه خدمات هوشمند مسافربری را دارند باید در این سامانه ثبت‌نام کنند. او ادامه داد: رانندگان و خودروها در این سامانه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و در صورت کسب امتیازات لازم به شرکت‌های هوشمند معرفی خواهند شد. قطعاً تا زمان راه‌اندازی سامانه مشکلی برای ارائه خدمات تاکسی‌های اینترنتی ایجاد نخواهد شد.

نصرالله حدادی: مشکل مان این است که سیاست بر همه چیز سایه انداخته و بسیاری از بناها و آثار تاریخی تهران با همین نگاه از بین رفته‌اند. ما بخش اعظم هویت تاریخی تهران را از این شهر گرفته‌ایم. به جای حرف زدن در روز تهران باید کار کنیم و فرهنگ و هویت تهران را احیا کنیم

قالب هفته تهران از سوی نهادهای مختلف اعلام شده است. در این راستا، غلامحسین محمدی، رئیس مرکز ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری تهران، ضمن اعلام ویژه برنامه‌های روز تهران از برگزاری تورهای گردشگری خبر داد. طبق اظهارات محمدی هر روز هفته تهران با هدف بازشناسی هویت پایتخت به ترتیب یکشنبه ۱۴ مهر ماه «روز تهران»، دوشنبه ۱۵ مهر ماه «روز طبیعت و تاریخ تهران»، سه‌شنبه ۱۶ مهر ماه «روز پیاده‌راه‌ها و گذرگاه‌های تهران»، چهارشنبه ۱۷ مهر ماه «روز هنر و معماری و شهرسازی» و پنجشنبه ۱۸ مهر ماه «روز تهران بزرگ، ایران بزرگ» نام‌گذاری شده‌اند.

او ادامه داد: «از شاخص‌ترین برنامه‌های هفته تهران می‌توان به تهرانگردی از روی تاشمیرانات، همایش کوهنوردی خانوادگی، گردهمایی پاکسازی کوهستان، راه‌اندازی قطار گردشگری در قلب تهران، بازدید رایگان موزه‌های تهران و بازگشایی موزه دخانیات، آیین نکوداشت‌ری و معرفی آیین‌های مذهبی تهران از روی تاشمیران، افتتاح سردر بازسازی شده اداره آگاهی شاپور به مناسبت روز نیروی انتظامی و نمایشگاه عکس آئین‌های مذهبی در ایستگاه‌های مترو و برگزاری آیین نکوداشت روز تهران در ۲۲ منطقه تهران اشاره کرد.»

با همه این صحبت‌ها تهران برای خیلی از ماهنوز یک شهر خواستنی است. تهران را باید از دور دید و برای مظلومیتش به مناسبت روز تهران در تقویم‌آه کشید. تراکم زیاد خانه‌ها، غبار غلیظی که روی شهر را گرفته، آسمان خراش‌هایی که تا شکم آسمان فرو رفته‌اند، همه و همه از روی بام شهر، داخل هواپیما و قله توجال دیدنی و غم‌انگیزتر هستند. اما هنوز هم اگر باران بزند و آسمان تمیز شود، قله دماوند را می‌توان از میدان ونک دید.

خاستگاه اسطوره‌ای دارد، می‌گوید: «شهر می‌تواند با اسطوره سه گونه پیوند بخورد. یکی آنکه شهر اسطوره‌ساز بوده باشد، به این معنا که آدم‌های بزرگی را تربیت کرده باشد که همان افراد به اسطوره تبدیل شده باشند. برای مثال، شهری که بتواند در دل خود هنرمندان و سیاستمداران بزرگی را پرورش داده باشد، می‌تواند اسطوره‌ای باشد.»

نامور مطلق می‌گوید: «برای مثال رم از «رموس» می‌آید، چون یک شخصیت اسطوره‌به‌ساختن آن منتسب شده، بنابراین اسطوره‌ای است که دومین شکل بین اسطوره و شهر محسوب می‌شود. وقتی شهر مورد توجه قرار بگیرد که شهرهای دیگر بخواهند از آن تقلید کنند، شکل سوم اسطوره با شهر محسوب می‌شود، زیرا اسطوره به معنای شخصیت روایت‌دار، تکثیرپذیر یا الگویی است. اسطوره، یعنی الگوهایی که دیگران می‌خواهند شبیه آن شوند.»

او بیان می‌کند: «برای بررسی اسطوره بودن شهر تهران باید به هنر و ادبیات مراجعه کرد. در واقع سهمیه و متن‌های هنری و ادبی بهترین آینه هستند تا متوجه شویم آیا تهران اسطوره هست یا نه. با تماشای تصویر تهران متوجه می‌شویم که نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم. تهران در بسیاری از آثار سینمایی، شعری، ادبیات حضور دارد. پس تهران آنقدر در متن‌های هنری و ادبی تکثیر شده که می‌توانیم آن را به عنوان شهری اسطوره‌ای در نظر بگیریم.»

این استاد دانشگاه توضیح می‌دهد: «تصویری که از تهران در اغلب آثار ادبی و هنری وجود دارد، تصویری نسبتاً منفی است، یعنی تهران بیشتر شبیه یک هیولا به نمایش گذاشته شده که آدم‌ها در آن سرگردم هستند و از آن وحشت می‌کنند. «تهران مخوف» جزء اولین رمان‌هایی بوده که مرتضی شافقی کاشانی آن را نوشت و هنوز هم آن تصویر مخوف بودن از تهران به صورت کامل زنده نمانده. تهران در عین حال که هیولا است، مظلوم است و تمام فشار ایران را تحمل می‌کند.»

برنامه‌های هفته تهران

امسال نیز با فرارسیدن ۱۴ مهر و روز تهران برنامه‌های متنوعی در



ایرانی‌هاست. در این شرایط آنان نسبت به هر گونه تعدی و اجحاف در حقشان اغلب جز تحمل و مدارا چاره دیگری ندارند. تصور ذهنی بسیاری از افغانستانی‌ها صرف‌نظر از واقعیت عینی این است که رویه‌های رسیدگی در نهادهای انتظامی و قضایی هم در اختلاف میان یک افغانستانی و ایرانی به نفع شهر وند ایرانی است. هراس از درگیر شدن در فرایندی که می‌تواند اخراج آن‌ها را در پی داشته باشد به علاوه تصور از بی‌عدالتی سبب می‌شود بخشی از مهاجرین از وارد شدن در فرایند قانونی احقاق حق خود اجتناب کنند. از سوی دیگر آگاهی نسبت به این موقعیت آسیب‌پذیر یک افغانستانی، احتمال سوءاستفاده در طرف ایرانی را هم افزایش می‌دهد. وقتی فرض بر این است که یک افغانستانی به واسطه هراس از پلیس و اخراج از کشور، شکایت نمی‌کند، امکان ارتکاب عمل غیرقانونی و تعدی به حقوق او در انتظار نخواهد بود. صورت متداول این ظلم، عدم پرداخت حقوق معوقه یک کارگر است و خشن‌ترین اشکال آن نیز مشابه حوادثی است که در قشم شاهد بودیم.

خصومت و رفتارهای خشن نسبت به افغان‌ها ریشه‌های دیگری هم دارد. رقابت اقتصادی بر سر منابع محدود یکی از عوامل تنش میان مهاجران و ساکنان محلی در بسیاری از نقاط دنیاست. به همین سبب وقتی بخشی از جامعه محلی تصور می‌کند شغلی که او استحقات آن را دارد نصیب یک مهاجر خارجی شده یا خدمات دولتی که می‌توانست سهم بیشتری

معماری تغییر کرده و خانواده‌ها دچار گسست شده‌اند.

نمی‌شود هویت تهران را بازبایی کرد

این استاد دانشگاه می‌گوید: «گاهی در دانشگاه از دانشجویان می‌پرسم مثلاً وقتی می‌گوییم کسی زیر سرش بلند شده یعنی چه؟ آنها نمی‌دانند و وقتی می‌گویم قدیم بانک وجود نداشته و مردم پول را زیر سرشان می‌گذاشتند می‌گویند: «چه جالب. نمی‌دانستیم.» اینها فرهنگ مردم تهران است. خیلی چیزها مثل اینها وجود دارد که از بین رفته و کسانی از آنها خبر ندارند. ثبت و نگهداری آنها باید انجام شود اما نمی‌شود یا اگر هم می‌شود فرامی‌ی است و ابتر می‌ماند. و جب به وجب خیابان‌های قدیمی تهران تاریخ است. اگر از میدان راه‌آهن تا تجریش بروید کوهچه و کوه‌های داستان دارد. در یک کوهچه خانه عمران صلاحی است و در دیگری خانه فروغ فرخ‌زاد. یک جا خانه روح‌الله خالقی و نزدیکش خانه برادران محجوبی است و می‌توانی اینجا بگویی آنها کسانیه هستند که «ای ایران» را ساختند اما ما اینها را نمی‌دانیم و این نام‌ها و این تاریخ در جاب و جینال گم می‌شود.» حدادی معتقد است: «دیگر هم نمی‌شود هویت تهران را بازبایی کرد. به دلیل حضور فضای مجازی و نسل بی‌مطالعه‌ای که برایش خیلی چیزها مهم نیستند. مگر مهم است که هر کوهچه چه داستانی دارد؟ از سوی دیگر مشکل مان این است که سیاست بر همه چیز سایه انداخته و بسیاری از بناها و آثار تاریخی تهران با همین نگاه از بین رفته‌اند. ما بخش اعظم هویت تاریخی تهران را از این شهر گرفته‌ایم. در این شرایط برگزاری مراسمی برای روز تهران بدون اینکه

حتی تنوع جاهای دیدنی تهران و جذابیت‌های آن‌ها نیز نتوانسته حداقل غبار و آلودگی را از چهره پایتخت پاک کند و این شهر در میان هیاهو، شلوغی و ترافیک خود غرق شده است.

به تهران چنارستان می‌گفتند

نصرالله حدادی، تهران‌شناس و استاد دانشگاه درباره حال و روز این روزهای تهران در کانال تلگرامی‌اش نوشته است: «من برگزاری روز تهران و مراسم مرتبط با آن را بی‌فایده می‌دانم. به تهران از جنبه جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی باید توجه شود. از جغرافیای تهران چیزی باقی نمانده است. تهران شهر باغ‌ها بود و به آن چنارستان می‌گفتند اما خیانتی که از دهه ۵۰ در حق تهران شد این جغرافیا را تغییر داد. مادر تهران بلند مرتبه‌سازی نداشتیم، چون زمین ارزش کاذب پیدا نکرده بود و زمین‌خواری وجود نداشت. در معماری گذشته ما هر چیزی در هر جایی که ساخته می‌شد دلیل داشت. در دوره پهلوی دوم و پادشاهی گونی زندگی معماری کاملاً درون‌گرای ما تبدیل شد به معماری بی‌حیای کاملاً برون‌گرا و تقلیدی.»

حدادی در ادامه توضیح داده: «در طرح تفصیلی تهران که سال ۴۷ توسط عبدالعزیز فرمانفرمایان نوشته بود آمده بود که در مرکز تهران ساختمان بیشتر از ۳ طبقه نباید ساخته شود اما امروز در تهران آسمان را نمی‌توانید ببینید. از نظر فرهنگی هم در تهران آنچه را می‌تواند زایش فرهنگی داشته باشد از بین برده‌ایم. تمام تئاترهایی که برای مردم ملموس بود از بین رفت. به جای حرف زدن در روز تهران باید کار کنیم و فرهنگ و هویت تهران را احیا کنیم. زندگی مردم تهران به دلیل همان

به بهانه «روز» و «هفته» ی «تهران»

تهران شهر باغ‌ها بود؛ اما اکنون...



آسو محمدی

تیرماه ۱۳۹۵ یک فوریت طرح نامگذاری ۱۴ مهر به عنوان روز «تهران» در تقویم عمومی کشور به تصویب رسید. علت این نام‌گذاری اصل چهارم قانون اساسی مشروطه است که ۱۱۱ سال پیش، تقریباً یکسال و سه ماه پس از امضای فرمان مشروطیت ایران توسط مظفرالدین شاه قاجار، متمم قانون اساسی مشروطه در ۱۴ مهرماه ۱۲۸۶ شمسی به امضای محمدعلی شاه قاجار رسید. طبق اصل چهارم این متمم پایتخت ایران «طهران» است.

تهران امروز، با طهران قدیم فاصله‌ای به درازای تاریخ دارد. حالا تهران ۱۲ میلیون نفری، کمتر نشانی از تهران قدیم دارد، جز چند ساختمان قدیمی که در انبوه برج و ترافیک و دود، یادآور سده‌های رفته‌اند. از تهران قدیم چنارهای بلند مانده و مردمان ساکت عکس‌های قدیمی، و چند خانه فرو رفته در خود که ساعت‌شان در همان سال‌های دور یخ زده است در تهران شلوغ امروز جا مانده‌اند و سخت‌غریبی می‌کند. تهران امروز هر روز بزرگ‌تر و رنگی‌تر می‌شود و از تهران سال‌های سیاه و سفید، دور تر و دور تر... بسیاری، غربی شهر تهران را به کوچ ساکنان اصلی‌اش گره می‌زنند و می‌گویند در طول تاریخ به ویژه چهل سال اخیر بسیاری از ساکنان بومی و قدیمی این شهر، ناچار شهر را تنها گذاشتند و به دست غریبه‌ها سپردند.

اماد تمام این سال‌ها تهران با وجود موقعیت مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی دیاری فراموش شده است.

یادداشت

آرش نصر اصفهانی، جامعه‌شناس

انتشار یک ویدئو در شبکه‌های اجتماعی که ضرب و شتم یک جوان افغانستانی به بند کشیده شده و در قشم نشان می‌دهد، یک بار دیگر موضوع خشونت علیه افغانستانی‌های ساکن ایران را به عرصه عمومی کشاند.

به گزارش گروه تحلیل، تفسیر و پژوهش‌های خبری ایران، برای کسی که با زندگی پناهندگان افغانستانی در ایران آشنا باشد وقوع چنین رفتارهای خصمانه‌ای با شدت کمتر و بیشتر کم سابقه نیست. با یک جستجوی ساده اینترنتی موارد متعددی را در طی سال‌های گذشته می‌توان یافت که یک فرد یا حتی گروهی از افغانستانی‌ها به دست مردم محلی به سبب خطایی که به آن‌ها نسبت داده شده رأسمجازات می‌شوند. به عنوان نمونه در سال ۱۳۹۳ در حادثه‌ای که در رسانه‌های داخلی نیز بازتاب یافت در یکی از روستاهای قزوین در پی انتشار شایعه‌ای در خصوص تعرض یکی از ساکنان افغانستانی به یک کودک معلول محلی، ساکنان روستا با مجازات گروهی همه افغانستانی‌های ساکن محل، بیش از صد خانوار افغانستانی را مجبور به ترک منطقه کردند. این وقایع اگر چه بازتاب رسانه‌ای

ریشه‌های ساختاری خشونت علیه افغان‌ها

نسبتاً گسترده و کم‌وبیش محکومیت جامعه ایران را به همراه داشته اما کمتر به دلایل وقوع آن پرداخته شد و اغلب مسئله به یک خطای انسانی فرو کاسته شده است. لیکن برای درک علل وقوع این حوادث باید به موقعیت حقوقی پناهندگان و مهاجرین افغانستانی در ایران توجه کرد و هر راه‌حلی برای کاستن از این خشونت‌ها باید مبتنی بر یک تحول ساختاری در

مورد این جمعیت ساکن در کشور باشد. بیش از ۴۰ سال از آغاز مهاجرت گسترده اتباع افغانستانی به ایران می‌گذرد. امروز نزدیک به سه میلیون نفر افغانستانی در ایران زندگی می‌کنند که طیف متنوعی را از خانوارهایی با چهار دهه قدمت سکونت در ایران و دارای مجوز اقامت در ایران تا کارگران مجرد فصلی که به‌طور غیرقانونی وارد ایران شده‌اند، در برمی‌گیرد. اگر چه وضعیت حقوقی و اقامتی این گروه‌ها متنوع است اما می‌توان گفت اکثریت قاطع آن‌ها در یک ویژگی مشترک کاند: آنان از بسیاری از حقوق شهروندی در ایران محرومند. از آنجا که حضورشان در ایران موقتی تصور می‌شود، ناپایداری زندگی و هراس از اخراج از کشور همراه همیشگی حتی با سابقه‌ترین مهاجران است. نتیجه این وضعیت شکننده، موقعیت بسیار آسیب‌پذیر و فرودست یک افغانستانی در برابر